

بررسی انگیزه ها و عوامل پیدایش نقل به معنا در روایات نبوی

روح الله صمدی^۱، علی حسین احتشامی^۲

^۱ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده ی علوم انسانی، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان

^۲ استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تویسرکان، تویسرکان، ایران. (مسئول مکاتبات)

چکیده

پدیده نقل به معنا که یک حقیقت تأیید شده در تاریخ حدیث است یعنی برخی از راویان حدیث به ویژه در دوره متقدم حدیث، پیش از تدوین آثار حدیثی در مواردی شنیده های خود از معصوم را در قالب معانی حفظ می کردند و به هنگام انتقال در قالب الفاظی بیان می کردند که انتخاب واژگان و ترکیب نحوی آن مربوط به خود ایشان بود، البته با این تأکید که راوی مطمئن بود مطلب را به درستی منتقل می کند. کمتر می توان در باب واحد، احادیثی را منقول از راویان موازی بازجست که در آنها الفاظ عیناً با یکدیگر انطباق داشته باشند و می توان بر این پایه مدعی شد که نسبت نقل به معنا در مقایسه با نقل عین الفاظ، نسبتی قابل توجه است. ناتوانی و نبود امکانات، یا بی توجهی یا احساس نیاز نکردن به نقل عین الفاظ، منع نگارش حدیث توسط خلفاء، عدم کتابت حدیث توسط راویان، ضعف حافظه برخی از راویان از جمله عواملی بود که در پی آن نقل به معنا به وجود آمد. یعنی شنیده های خود را با الفاظی دیگر یا ساختاری مشابه که اصل معنا را می رساند، بیان می کند. نویسنده در پی آن است که اثبات کند اکثر روایات موجود انعکاس عین الفاظ پیامبر (ص) و امام (ع) نیست، بلکه الفاظ اصحاب است. هدف دیگر محقق شناخت عواملی که موجب پیدایش و تسری نقل به معنی در روایات نبوی شده، می باشد. روش این تحقیق توصیفی-تحلیلی با فن کتابخانه ای است.

واژه های کلیدی: نقل به معنا، نقل به مضمون، نقل به الفاظ، علل نقل به معنا، آسیب شناسی روایات

۱. مقدمه

گاهی فهم نادرست حدیث، اثری بدتر از نشنیدن و یا اصلاً نفهمیدن حدیث دارد. نیز برهیچ مسلمان آگاه و علاقه‌مندی پوشیده نیست که پس از قرآن کریم، دومین مرجع مهم و معتبر در شناخت احکام و عقاید اسلامی، سنت و روایات معصومین (علیهم السلام) است. اعتبار و جاودانگی این ذخیره بزرگ، حقیقتی است که خداوند در آیات مختلف آن را تذکر داده است و به رجوع به آن را برای مسلمانان ضرورتی قطعی اعلام فرموده است. از سوی دیگر، اقوال و احادیث پیامبر (صلی الله علیه و سلم) و معصومین (علیهم السلام) در درازنای تاریخ پرفرازونشیب خود، با حوادث و ناملایماتی روبرو بوده است. بدون تردید این حوادث و ناملایمات، بر میزان اصالت و خلوص آن‌ها، تأثیر زیادی برجای گذاشته است، این تأثیر به گونه‌ای است که در جوامع حدیثی، آمیزه‌ای از احادیث سره و ناسره به هم مخلوط می‌باشند. لذا دانشمندان با آگاهی از این موضوع و با به کارگیری دانش فقه الحدیث به عنوان یکی از ابزارهای علوم حدیث، درصدد تنقیح و جداسازی روایات صحیح از ناصحیح برآمده‌اند. نقل به معنا و گستره کارایی آن در فقه الحدیث می‌تواند در این مهم نقش به سزایی ایفا نماید.^۱

مسئله نقل به معنا یکی از مهم ترین ویژگی هاست که موجب بروز مشکلاتی در فهم حدیث می شود. نقل به معنا همان گونه که از عنوان آن نیز بر می آید. به معنای نقل محتوا و مضمون یک روایت بدون جمود و تکیه ای خاص بر واژه ها و صورت های دستوری به کار رفته در آن توسط معصوم گوینده است. به عبارت دیگر نقل به معنا زمانی رخ می دهد که یکی از راویان درصدد برآید که هنگام نقل سخنانی از معصوم، به جای حفظ صورت اصلی حدیث، برداشت خویش از آن سخنان را با کمک واژگان و صورت های دستوری که خود انتخاب کرده است، باز سازد و به دیگران منتقل نماید. این موضوع ، با دلایل مختلفی اعم از ناتوانی و نبود امکانات ، یا بی توجهی یا احساس نیاز نکردن به نقل عین الفاظ ، رخ می دهد.

۲. بیان مساله

یکی از رخدادهای تلخ و زیانبار تاریخ صدراسلام، جریان ممنوعیت نگارش احادیث و سنن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) است که به دستور خلفا به ویژه خلیفه دوم پدیدآمده است. پی آمد عدم کتابت و تدوین سریع حدیث، حافظه ای شدن اکثر روایات و نقل و انتقال شفاهی آن توسط راویان و حاملان حدیث شد. اما با گذشت زمان و بروز عارضه پیری راویان حدیث که به طور طبیعی اغلب به فراموشی می انجامد، ضعف حافظه بسیاری از راویان نمایان شد و در نتیجه روایات آنها با زیاده و نقصان و تغییر عبارات اولیه همراه گشت. و در پی آن نقل به معنا به وجود آمد یعنی شنیده های خود را با الفاظی دیگر یا ساختاری مشابه که اصل معنا را می رساند، بیان می کند.

بدون شک نقل به معنا در حدیث و یا اختصار آن بر اصالت حدیث تأثیر گذاشته و در شرایطی موجب تحریف مقاصد حدیث می گردد. یعنی باید بررسی شود با فرض وقوع نقل به معنا در روایات، احادیث موجود در کتاب های شیعه و سنی باید مشخص شود تا چه اندازه کاشف از قول پیامبر (صلی الله علیه و سلم) خواهد بود و تا چه اندازه از مقاصد ایشان فاصله دارد. این امر نه تنها در میان مسلمانان به عنوان عارضه ای نسبت به روایات مورد مطالعه قرار گرفته بلکه از ناحیه مستشرقان و مخالفان اسلام به عنوان طعنی بر روایات وارد شده است. لذا یکی از مباحث مهم در اکثر کتابهای علوم حدیث بحث از نقل به معنا در حدیث و علل و انگیزه های آن است.

محقق در این پژوهش به دنبال یافتن عواملی است که موجب پیدایش نقل به معنا و نیز موجبات زیان به اعتبار روایات نبوی گردیده می باشد.

۱. ر.ک. خوشناموند، مسعود. نقل به معنا. پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی. زمستان ۱۳۸۸. شماره ۵. ۸۸.

۳. تعریف اصطلاحات و بیان مفاهیم

آسیب: به معنای زخم، عیب و نقص، درد، رنج، گزند، آزار، زیان، خسارت.^۲

آسیب شناسی: شناخت درد و رنج و خسارت.^۳ و در این تحقیق به معنای شناخت کاستی ها می باشد.

آسیب شناسی در اصطلاح هم به آن دسته از علل و اختلالاتی اطلاق می شود که وجودشان تداوم و حرکت پدیده ای را تهدید می کند و آن را از رسیدن به اهداف و آرمانش باز می دارد و یا از کارایی لازم می اندازد.^۴

برخی در تعریف آسیب گفته اند: «منظور از آسیب، عاملی است که سبب اختلال و ناهنجاریها و آفت در پدیده ها می شود و گاهی به خود اختلالات، آسیب گفته می شود».^۵

حدیث: عبارتست از اقوال، افعال و تقریر معصوم که در نزد اهل سنت نبی اکرم(صلی الله علیه و سلم) و در نزد شیعیان پیامبر(صلی الله علیه و سلم) و عترت پاک او هستند.^۶

«حدیث» در لغت به معنای «تازه و نو از هر چیز» است. خلیل بن احمد در العین آورده است: «الحدیث: الجدید من الاشیاء»^۷ ابن فارس می نویسد: «الحاء و الدال و الثاء، اصل واحد وهو کون الشیء لم یکن».^۸

«الحدیث فی اصطلاح المحدثین قول الرسول صلی الله علیه و آله و حکایه فعله و تقریره» حدیث در اصطلاح محدثان همان سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و حکایت فعل و تقریر ایشان است.^۹

«حدیث» مفرد و جمع آن «احادیث» است. در معنای اصطلاحی آن شیخ بهایی می نویسد: «الحدیث هو کلام یحکی قول المعصوم او فعله و تقریره»^{۱۰}؛ حکایت و گزارش سخن، فعل و تقریر معصوم را حدیث گویند. اهل سنت، مراد از احادیث را گزارش سخن، عمل و سکوت پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابه (بنابر قولی) می دانند، در صورتی که از نظر امامیه، حدیث سخن، فعل و تقریر همه ی معصومان علیهم السلام است؛ زیرا بازگشت کلمات معصومان علیهم السلام نیز به سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد.

نویسنده ی مقباس الهدایه می نویسد: «و ذکر جمع من اصحابنا ان الحدیث فی الاصطلاح هو ما یحکی قول المعصوم او فعله او تقریره» گروهی از امامیه در تعریف اصطلاحی حدیث گفته اند: حدیث چیزی است که سخن، فعل و تقریر معصوم علیه السلام را حکایت می کند.^{۱۱}

۲. معین، محمد. (بی تا). فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۵۸، ذیل واژه.

۳. عمید، حسن. (بی تا). فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۴۴، ذیل واژه.

۴. دلبری، سید علی. (۱۳۹۴). آسیب شناسی فهم حدیث. مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی. ۲۱.

۵. حاجی، محمد علی. (بی تا). آسیب شناسی تربیت دینی، دانش نامه امام علی علیه السلام، زیر نظر علی اکبر رشاد، ج ۴، ص ۴۳۳.

۶. مامقانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ۵۷.

۷. فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ۱۷۷.

۸. ابن فارس، بی تا، ج ۲، ۳۶.

۹. سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱، ۲۳.

۱۰. مامقانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ۵۷.

۱۱. همان، ۵۶.

نقل به معنا: عبارت است از این که راوی معنایی را که معصوم (ع) تحت قالب الفاظی بیان نموده است را با الفاظی دیگر بیان نماید و معنا را برساند.^{۱۲}

اصطلاح «نقل معنا»^{۱۳}، یعنی: نقل محتوای یک خبر، بدون اصرار بر واژه ها و تعبیر آن. این شیوه، در نقل شفاهی رایج بوده و در نقل کتبی نیز هنگام نقل قول غیر مستقیم، به کار می رود.^{۱۴}

۴. عوامل پیدایش نقل به معنا

مضمون محوری و شالوده اصلی نظریه نقل به معنا این است که بسیاری از احادیث شیعه و سنی به صورت نقل به معنا گزارش شده‌اند؛ زیرا بیشتر اصحاب رسول اکرم (صلی الله علیه و سلم) قدرت بر کتابت نداشته‌اند و احادیث نیز دارای گستردگی زیادی بوده‌اند و در عرف محاوره نیز بیان شده‌اند. و حتی در زمان صادقین (علیه السلام) نیز با این که بسیاری از اصحاب بر کتابت الفاظ حدیث اصرار داشتند، نقل به معنا رواج داشته است.

اینک به بررسی عواملی که سبب گردید تا بسیاری از احادیث پیامبر (صلی الله علیه و سلم) و معصومان (علیهم السلام) به صورت نقل به معنا به دست ما برسد، می پردازیم:

۴-۱. نقل شفاهی و عدم نگارش بسیاری از احادیث^{۱۵} (عدم نگارش حدیث توسط روایان)

مسئله نقل به معنا واقعیتی است که بر حدیث عارض شده است. دلیل آن هم در درجه اول عدم ثبت، ضبط و کتابت حدیث در قرن اول بوده است، یعنی اگر نسبت به تاریخ حدیث این مطلب را باور داشته باشیم که در زمان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، عده کمی از روایان، احادیث را نوشتند - البته در عصر پیامبر کتابت حدیث بوده است ولی نه به شکل شایع و عمومی -، مثلاً عبد الله بن عمرو بن عاص که صحیفه صادقه داشت، و اگر بپذیریم که بعد از رحلت پیامبر اسلام، در دوره صحابه و تابعان کتابت حدیث جاری و مرسوم نبود، بلکه در دوره‌هایی به وسیله خلفای سه‌گانه از نقل و کتابت حدیث خودداری می‌شد، در این صورت باید بپذیریم که در زمان جواز نقل یا نگارش حدیث، طبعاً نقل روایات با درستی از نقل به معنا همراه شده است.

از واقعیت‌های مربوط به حدیث اهل سنت، موضوع نقل به معنای آن در دوره‌های مختلف به‌ویژه در قرن نخست است. این واقعیت را معلول چندین عامل متعدد است که در رأس آن‌ها می‌توان از عدم نگارش قطعی حدیث در عصر رسول الله نام برد.^{۱۶}

^{۱۲}. دلبری، ۱۳۸۹، ۹۲.

^{۱۳}. از آن جا که تعبیر عربی رایج برای این مفهوم، یا «نقل الحدیث بالمعنی» است، گاهی در فارسی نیز به جای این اصطلاح، «نقل به معنا» گفته می‌شود. بهتر است در عبارات فارسی، از آن پرهیز شود و همان «نقل معنا» گفته شود. توضیح این‌که اگر این ترکیب را وصفی بگیریم، «به معنا» صفتی بی‌معنا خواهد بود؛ اما اگر ترکیب مصدری باشد (سکون لام)، گونه‌ای گره‌برداری است که اگر هم غلط نباشد، فصیح نیست. اگر در عبارات فارسی، حرف اضافه «به» در کنار فعل «نقل کردن» به کار رود، معنای روشن و عرفی آن در فارسی معیار، همان «جا به جا کردن به سوی» یا «... به طرف» است که در عربی، از «إلی» فهمیده می‌شود (نَقَلَ إلی؛ نقل کرد به...) و روشن است که این اصطلاح حدیثی، در چنین معنایی به کار نمی‌رود.

^{۱۴}. رواية الحدیث بالمعنی: نقلُ معنی الحدیث من دون الجمود علی الألفاظ. لا تجوز لمن لم یکن عالماً بمقاصد الألفاظ، وما یحیلُ معانیها، ومقادیر التفاوت بینها بغير خلاف. رک. مسعودی، عبدالهادی (۱۳۹۱). آسیب شناخت حدیث، ج ۱، ۱۱۳.

^{۱۵}. محمدبن حسن طوسی، العدة فی اصول الفقه، ج ۱، ص ۹۴.

^{۱۶}. معارف، ۱۳۸۴، ۱۵۳.

محمود ابوریّه در این باره مثال‌های زیادی در کتابش آورده است که از مطالعه آن‌ها روشن می‌گردد برخی از روایات و سنن پیامبر-حتی در سطح پاره‌ای از اورداد و اذکار نماز مانند صیغه تشهد-تا چه حد از سوی اصحاب با گوناگونی عبارات نقل شده روبرو هستیم. طوری که برخی نسبت به برخی دیگر اختلافاتی را نیز در حوزه معانی به ذهن متبادر می‌کنند.^{۱۷}

ابوریّه می‌نویسد: نکته عجیب در اختلاف روایات این که بخاری از پیامبر(صلی الله علیه و سلم) روایت می‌کند که وی در جنگ احزاب فرمودند امروز کسی نماز عصر را جز در بنی قریظه اقامه نخواهد کرد. ابن حجر در شرح این حدیث نوشته است که در تمام نسخه‌های صحیح بخاری موضوع برپایی نماز عصر در بنی قریظه عنوان شده است. حال آنکه در تمام نسخه‌های صحیح مسلم، به جای نماز عصر، از برپایی نماز ظهر سخن رفته است، با آنکه اسناد حدیث در هر دو کتاب متحد و یکسان است. حال علت این اختلاف کجاست؟ ابن حجر معتقد است-چنانکه مرسوم بخاری بوده-وی روایات را با استفاده از حافظه درج می‌کرده است و کمتر به مراعات الفاظ حدیث توجه می‌کرد. برخلاف مسلم که بیشتر به مراعات الفاظ حدیث توجه می‌کرد.^{۱۸}

از این روایات می‌توان دریافت که وقتی علمای حدیث با آن همه محفوظات، چنین اختلافاتی در نقل یک حدیث آن هم با سند یکسان دارند، موضوع نقل به معنا در بین عوام الناس تا چه حد شایع و مرسوم خواهد بود.

ناگفته نماند نقل به معنا در احادیث شیعه نیز اتفاق افتاده است؛ اما به طوری که در کتب حدیثی آمده، امامان(علیه السلام)-به ویژه صادقین(علیه السلام)-ضوابطی را برای شاگردان خود تعیین می‌کردند که بارعایت آن موجودیت حدیث شیعه از تحریف معنوی، نقل به معنا و یا رکاکت لفظی در امان می‌ماند.^{۱۹}

پدر شیخ بهایی می‌نویسد: اکثر دانشمندان تمامی فرقه‌های اسلامی، به جواز نقل به معنا قائل شده اند، در صورتی که راوی بداند معنای حدیث مطابق با اصل است؛ زیرا همان طور که مشخص است، صحابه و اصحاب ائمه علیهم السلام در همان هنگامی که احادیث را می‌شنیدند، نمی‌نوشتند.^{۲۰}

باید اذعان کرد که وضعیت راویان حدیث در مقام نقل متفاوت است؛ گروهی کتابت نمی‌دانستند، مانند ابوبصیر و برخی کتابت را نیکو می‌دانستند، لکن به نگهداری در خاطره‌ها و سینه‌ها بسنده می‌کردند، و کمی از راویان هم مانند زراره بودند که همیشه قلم و دوات همراه داشتند و هنگام شنیدن حدیث، آن را مکتوب می‌کردند تا صحیح نقل کنند.^{۲۱}

۲-۴. یاری نکردن حافظه برخی راویان(کم حافظگی و بی دقتی پاره ای از اصحاب و تابعین)

مرحوم مامقانی در ذیل تقسیمات خبر می‌نویسد: مراجعه به روایات متواتر نشان می‌دهد که بیشتر روایات به صورت معنوی است؛ زیرا تبیین یک موضوع در زمان‌های متعدد با الفاظ مختلف از سوی معصومین و نیز رهیافت پدیدۀ نقل به معنا و سوء حافظه برخی راویان، امکان یکسان بودن لفظ و عبارت در تمام نقل‌های یک خبر متواتر را به شدت کاهش می‌داد.^{۲۲}

^{۱۷}. ابوریّه، ۸۲، ۱۴۲۷.

^{۱۸}. همان: ۹۲.

^{۱۹}. معارف، ۱۵۵، ۱۳۸۴.

^{۲۰}. حسین بن عبدالصمد عاملی، وصول الأخبار الی اصول الأخبار، ص ۱۵۲.

^{۲۱}. دلبری، سید علی. (۱۳۹۱). آسیب شناسی فهم حدیث. مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی. ۲۴۹.

^{۲۲}. مامقانی، ۱۳۶۹، ۱۱۵.

باید گفت، اصولاً وقتی حدیث نوشته نشود، غیر از این هم نباید انتظار داشت، همین امر سبب شد تا درخصوص احادیث این شک و تردید پدیدار شود که آیا احادیث موجود اصلاً کلام رسول خداست یا نه! امری که موجب خرده گرفتن برخی مستشرقین هم شد.

اما نقل به معنا با چه انگیزه‌ای صورت می‌گیرد و در چه موقعیتی فرد به نقل به معنا اقدام می‌کند. باید گفت هر چقدر به زمان صحابه نزدیک می‌شویم، اقوال پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای آنان جنبه خاطره دارد و از آنجا که به ارتباطی دو سویه مربوط می‌شود، بیش از آنکه متن آن در فهم دخیل باشد، بافت در فهم دخیل است؛ از همین رو اساساً پایبندی به لفظ چندان موضوعیت ندارد. نزد صحابه عموماً چنین گمانی وجود نداشته است که ممکن است در آینده کسانی که مصاحبت و ارتباط مستقیم با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را درک نکرده‌اند، بتوانند بهتر از آنان سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را بفهمند و از این رهگذر خود را متعهد به ضبط لفظ بدانند.

در نسل‌های بعد هم به نظر می‌رسد ارتباط مستقیمی میان اقدام به نقل به معنا با مأموریتی وجود دارند که تابعی برای خود قائل بوده است. برای کسانی از نسل‌های بعد که حدیث به مثابه میراث پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای آنان موضوعیت یافته بود و حمل علم پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به نسل‌های بعدی را وظیفه خود می‌انگاشتند، لازم است بیشترین حساسیت نسبت به ضبط لفظ حدیث وجود داشته باشد. اما برای کسانی که مواجهه آنان با حدیث نه با رسالت حمل، بلکه با رسالت فهم بوده و خود را اولی به فهم نسبت به پسینیان می‌شمردند، جمود بر لفظ نه تنها غیر لازم، بلکه حتی در مواردی مغلّ بوده است. برای گروه اخیر، اگر چنین احساسی پیش می‌آمد که لفظ اصیل حدیث در بافت کنونی می‌توانست منجر به درک نادرستی شود، اقدام برای نقل آن به معنا نه یک جواز که یک ضرورت بود.

بدیهی وجود این دو موضوع کرانه‌ای در محافل عصر تابعین و اتباع تابعین، می‌توانست زمینه ساز ایجاد رویکردهای میانه هم باشد. به عنوان یک رویکرد میانه باید به کسانی از راویان اشاره کرد که خود را نسبت به ضبط لفظ احادیث مقید می‌دانند، اما در این باره افراطی نیستند و می‌پذیرند که اگر در مواردی حافظه شان یاری نکند که عین لفظ را به خاطر آورند، نقل به معنا می‌تواند شیوه‌ای قابل قبول باشد.

استاد پاکتچی می‌نویسد: برخی انگیزه‌ها مانند کوشش برای خوانش سنت نبوی در بافت زبانی روز می‌تواند ضرورت نقل به معنا را اقتضا کند، اما انگیزه‌های دیگر مانند یاری نکردن حافظه تنها مجوزی برای نقل به معنا - در عین اعتقاد به ارجحیت نقل به لفظ - بوده است.^{۲۳}

۳-۴. منع نگارش حدیث

علامه‌ی طباطبایی در بررسی معنایی روایی می‌نویسد: این معنا در روایات مختلف، با تعبیرات متفاوتی نقل شده و منشأ عمده‌ی اختلافات این بوده که ناقلان آثار، و مخصوصاً ناقلان روایات نبوی، به دلیل منع حکومت از نگارش حدیث در قرن اول هجری ناچار شنیده‌های خود را نقل به معنا می‌کردند.^{۲۴} همچنین در ابتدای امر، تحدیث چندان مورد توجه نبود. شاید یکی از عللش هم چنان که صبحی صالح عقیده دارد، اهتمام بیش از اندازه به قرآن و کتابت آن باشد^{۲۵} به علاوه اگر عواملی چون منع کتابت حدیث و... را مزید بر علت کنیم، احتمال نقل به معنا دو چندان می‌شود.

^{۲۳} پاکتچی، احمد؛ (۱۳۹۲)، فقه الحدیث (با تکیه بر مسائل لفظی)، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، چاپ اول. ۲۲.

^{۲۴} محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۴، ص ۲۰۷.

^{۲۵} صالح، ۱۳۸۳، ۵۴.

۴-۴. عدم اعجاز لفظی در حدیث

عدم اعجاز لفظی در حدیث، خود مهمترین عامل وقوع نقل به معنا در تاریخ آن می‌باشد. به عبارت ساده‌تر، قرآن هم گرچه نقل به معنا شده است، اما اعجاز لفظی که از جمله ویژگی‌های مهم و بارز آن است، نقل به معنایش را همواره تعدیل می‌کرد. بنابراین، عدم اعجاز لفظی در احادیث، نقل به معنا را تشدید و نقل عین عبارت را عملاً تعطیل می‌کرد.^{۲۶}

۴-۵. فراموشی عین الفاظ معصوم (علیه السلام) در پاره ای موارد

با ممنوعیت رسمی نگارش در قرن نخست، نقل حدیث جنبه‌ای شفاهی به خود گرفت. روشن است در این شرایط حافظه راویان و محدثان قدرت به خاطر سپاری همه روایات را نداشته و به تدریج برخی از روایات پیامبر (صلی الله علیه و سلم) دستخوش فراموشی گردد؛ چنانکه مرگ حاملان حدیث-آن هم در شرایطی که بسیاری از محفوظات آنها به رشته تدوین در نیامده بود-شتاب بیشتری در از بین رفتن آثار نبوی ایجاد نمود.^{۲۷}

دکتر غروی می‌نویسد: از عوارض دیگر تأخیر در تدوین حدیث، شیوع نقل به معنا و در نتیجه، پیدایش اختلاف در نصوص احادیث و مشکلات لفظی است. طبیعی است هنگامی که میان صدور و تدوین احادیث بیش از یک قرن فاصله بیفتد، هیچ حافظه‌ای را یارای آن نیست که عین الفاظ را ضبط کرده، سینه‌به‌سینه منتقل کند.^{۲۸}

۴-۶. گستردگی نقل به معنا

فرایند نقل به معنا در مقطع خاصی از زمان گسترش یافته است. این مطلب چنانکه پیداست، در روایات ائمه (علیه السلام) بسیار به چشم می‌خورد. در ذیل به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود.

از عبد الله بن عمر روایت شده است که پیامبر (صلی الله علیه و سلم) فرمود «قیدوا العلم» یعنی دانش را به بند کشید. عبد الله گوید پرسیدم ای رسول خدا، به بند کشیدن علم چه صورتی دارد؟ فرمود با نوشتن حاصل می‌شود.^{۲۹}

درجایی دیگر آمده است که مردی از انصار در محضر پیامبر (صلی الله علیه و سلم) حاضر شده و بیانات آن حضرت را استماع می‌کرد؛ در عین حال، نمی‌توانست بیانات وی را به خاطر بسپارد و از این جهت، روزی از ضعف حافظه خویش به رسول خدا شکایت کرد. پیامبر (صلی الله علیه و سلم) به او فرمود «إستعن بیمینک» یعنی برای نوشتن از دست کمک بگیر.^{۳۰}

^{۲۶}. خوشناموند، مسعود. نقل به معنا، پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی، زمستان ۱۳۸۸، شماره ۵، ۹۴.

^{۲۷}. معارف، ۱۳۸۶، ۱۵۱ و غروی نایینی، ۱۳۷۹، ۱۰۵.

^{۲۸}. غروی نایینی، ۱۳۷۹، ۱۰۵.

^{۲۹}. ابن عبد البر، ۱۳۸۸، ق، ۷۳.

^{۳۰}. ترمذی، ۵: ۳۸، ۱۴۰۳ و مجلسی، ۱۵۲، ۱۴۰۳.

گرچه بسیاری از علمای حدیث از این روایات در جهت اثبات کتابت حدیث در زمان رسول خدا بهره برده‌اند مع الوصف باید اذعان کرد که نتیجه دیگری هم بر آن‌ها مترتب است و آن این‌که نقل به معنا به دلایل گوناگون در آن زمان، علاوه بر وجود، در دامنه زمانی-مکانی بسیار زیادی گسترش داشته است.

۴-۷. شمار بیش از حد احادیث و فراهم نبودن امکان حفظ عین الفاظ همه ی روایات (مشکل بودن نقل عین الفاظ) :

به رغم مطلوب بودن نقل نصّ روایات این کار با دشواری‌هایی روبرو بوده است؛ زیرا در آغاز صدور روایات از زبان معصومان (علیه السلام)، مرسوم نبوده که در همان زمان صدور روایت، اقدام به نگارش آنها شود و عموم راویان، متن روایات را پس از شنیدن به حافظه سپرده و پس از مراجعه به خانه‌های خود، یا پس از گذشت زمان به ثبت، یا نقل آنها اقدام می‌کردند. از سوی دیگر گاه در یک مجلس، روایات فراوانی نقل می‌شد. در این هنگام اشتباه حافظه اقتضا داشت که گاهی واژه‌های مترادف، جای واژه‌های اصلی بنشینند، یا در چینش روایت جابجایی صورت گیرد، یا حتی جملات روایی دچار کوتاهی و بلندی شوند.^{۳۱}

۴-۸. عدم توجه برخی اصحاب ائمه علیهم السلام به نگارش و ضبط مجالس حدیثی اهل بیت علیهم السلام

امام صادق علیه السلام از شاگردان خود گلایه دارند که چرا نمی نویسند: «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ مَا يَمْنَعُكُمْ مِنَ الْكِتَابَةِ إِنَّكُمْ لَنْ تَحْفَظُوا حَتَّى تَكْتُبُوا إِنَّهُ خَرَجَ مِنْ عِنْدِي رَهْطٌ مِنْ أَهْلِ الْبَصْرَةِ سَأَلُونِي عَنْ أَشْيَاءَ فَكَتَبْتُوْهَا»^{۳۲} ابوبصیر گوید: خدمت حضرت صادق (علیه السلام) رسیدم، فرمود: شما چرا مطالب را در کتابی جمع نمی کنید؟ شما اگر کتابت نکنید، چیزی را حفظ نخواهید کرد. گروهی از اهل بصره از من سؤالاتی کردند و آنها را نوشتند و رفتند، (شما چرا نمی نویسید؟).

۴-۹. توضیح و تفسیر سخن معصوم علیه السلام از زبان عدّه ای راویان^{۳۳}

۴-۱۰. سایر عوامل تاثیر گذار بر پدیده نقل به معنا

سید علی دلبری در کتاب آسیب شناسی فهم حدیث عوامل چندی را در این خصوص بیان می کند که عبارتند از : «۱. تعبدی نبودن حفظ عین الفاظ معصوم، آن گونه که درباره ی قرآن لازم و ضروری بوده است. ۲. ممنوع نبودن نقل به معنا و

^{۳۱}. نصیری، ج ۲، ص ۸۹.

^{۳۲}. علی بن حسن طبرسی، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، ص ۱۴۲، الفصل التاسع؛ حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۹۲، ب ۸.

^{۳۳}. حسین بن عبدالصمد عاملی، وصول الأخیار، ص ۱۵۳؛ محمود أبوریه، اضاءة علی السنة المحمدیه، ص ۸۰؛ نادعلی عاشوری تلوکی، پژوهشی در علم الحدیث، ص ۱۶۲.

حتی اجازه ی نقل آن از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان (علیهم السلام) در پاره ای موارد. ۳. سهل انگاری و تسامح برخی راویان در ضبط احادیث. ۴. عدم امکان ثبت همه ی روایات برای برخی از راویان بر اثر جاذبه حضور و شیفتگی به امام معصوم (علیه السلام). ۵. مقدور نبودن نگهداری و ثبت همه ی روایات به سبب سرعت انتقال مطالب علمی.^{۳۴}

۱۱-۴. دیدگاه محمد عجاج خطیب

محمد عجاج خطیب دلایل نقل به معنا را به پنج بخش اساسی تقسیم می کند؛ از جمله ورع و ترس اصحاب و تابعان و اتباع تابعان در نقل حدیث، اختلاف الفاظ ناشی از تعدد مجالس رسول الله (صلی الله علیه و سلم)، حافظه صحابه و تابعان؛ دلالت روایات اجازه نقل به معنا بر جواز عقلی آن بدون وجود مصداق خارجی؛ صحت استدلال بر الفاظ روایات بدون هیچ تفاوتی.^{۳۵}

۱۲-۴. سوزاندن روایات

نصیری می نویسد : سوزاندن پانصد روایت و جلوگیری از نقل حدیث و تاکید بر بسنده بودن قرآن از نشانه های مخالفت خلیفه اول (ابوبکر) با کتابت و تدوین حدیث و نیز سوزاندن نگاشته های حدیثی مسلمانان، فراخوانی صحابه از شهرهای مختلف به مدینه برای جلوگیری از نقل حدیث، به زندان انداختن گروهی از صحابه بخاطر کثرت نقل احادیث پیامبر (صلی الله علیه و آله)، نشانگر مخالفت گسترده خلیفه دوم با نقل، کتابت و تدوین حدیث بوده که هر یک به نوبه خود موجبات نقل به معنای روایات را فراهم کردند.^{۳۶}

۱۳-۴. دلیل رواج نقل به معنا در میان اصحاب^{۳۷}

در شرح و توضیح دلیل رواج نقل به معنا در میان اصحاب، باید نکته هایی را یادآوری کنیم:
اولاً: روش پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه هدی (علیه السلام) در تبلیغ دین، روشی متفاوت با روش مکتب و مدرسه بود. ایشان با مردم زندگی می کردند؛ زیرا تکلیف مهم تر از تعلیم، تربیت و تزکیه مردم و لازمه آن در کنار مردم بودن و در غم و شادی آنان شرکت جستن است. بنابراین ایشان دین را جرعه جرعه در کام مردم می ریختند و محل و مکان خاصی را الزاماً برای تبلیغ مشخص نمی کردند؛ همان طور که در طول تاریخ موفق ترین مبلغان کسانی بوده اند که به مسجد و منبر قناعت نمی کرده و در کوچه و بازار و مراسمات مردم شرکت می کردند و در زوایای زندگی ایشان حضور می یافتند و همه، داستان های

^{۳۴}. دلبری، سید علی. (۱۳۹۱). آسیب شناسی فهم حدیث. مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی. ۲۴۹.

^{۳۵}. فتحی، سمانه. بررسی و نقد دیدگاه محمد عجاج خطیب درباره نقل به معنا، حدیث و اندیشه، نیم سالنامه علمی-ترویجی، شماره نوزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ۱۱۵.

^{۳۶}. ن. ک. نصیری، علی. حدیث شناسی، ج ۱، ۱۷۵.

^{۳۷}. ر. ک. اکبر نژاد، محمد تقی، نقل به معنا در دعا، مجله فقه، دفتر تبلیغات اسلامی، شماره ۵۶، ۶۶-۶۴.

شگفت آوری از احوالات ایشان شنیده ایم که در مقام یاد آنها نیستیم. یکی از لوازم این روش، غیر قابل ثبت و نگارش بودن مطالب است؛ زیرا گاهی پیش می‌آمد که از باب نمونه در خلال جنگ از حضرت امیر علیه‌السلام درباره شبهه سؤال می‌شد و او با روی گشاده پاسخ می‌گفت.

ثانیاً: اصحاب ائمه (علیه‌السلام) متوجه اهمیت کلام گهربار ایشان بودند و بسیاری از ایشان تا مرز تقدیم جان پیش رفتند تا از سخنان آنان بهره مند شوند و آنها را به نسل‌های آینده برسانند، خصوصاً که ائمه علیهم‌السلام ایشان را به کتابت سخنان خود تشویق می‌کردند و گاه می‌فرمودند که این مطلب باید با آب طلا نوشته شود، یا به ایشان خبر می‌دادند که در آینده مردمان فقط به نوشته‌های شما دسترسی خواهند داشت، یا تأکید می‌کردند که کتاب هایتان را به عنوان ارث به پسرانتان بسپارید، و نمونه‌های دیگر که در ابواب آداب روایت آورده شده است. اگرچه هم ائمه (علیه‌السلام) اصحاب را متوجه اهمیت این مسئله می‌کردند و هم خود اصحاب غالباً اهل فهم و درایت بودند و از عظمت و شأن و جلالت ائمه و روایات ایشان آگاهی داشتند، با این حال نباید محدودیت‌های طبیعی، سیاسی و اقتصادی را که بر ایشان تحمیل می‌شد، از نظر دور داشت. شیعه در زمانی زندگی می‌کرد که برای حفظ جان خود مجبور به تبری جستن از حضرت امیر (علیه‌السلام) می‌شد؛ به طوری که امام صادق (علیه‌السلام) برای حفظ افرادی مانند زراره اقدام به انتشار سخنانی ناروا درباره او می‌کرد و یا نسبت شرک به هشام بن حکم می‌داد تا با مشوه ساختن چهره او در نظر دشمنان، جان او را از خطر حفظ کند. در شرایطی که امام (علیه‌السلام) حکم خدا را به اشکال مختلفی بیان می‌کرد، تا اصل شیعه را حفظ کند و مانع از هماهنگی و به چشم آمدن ایشان شود، آیا می‌توان نظم حاکم بر کتب و مدارس و مکاتب علمی را از ایشان انتظار داشت و با مقایسه اقتضائات علمی زمان حاضر که لازمه آن ثبت عین کلمات معصوم است، به این نتیجه رسید که اصحاب ائمه (علیه‌السلام) نیز همین کار را می‌کردند تا اصالت و صفای حاکم بر گفتار ایشان از بین نرود.

البته ما نیز قبول داریم که اگر شرایط مساعد و امکانات لازم مانند آنچه که از وسائل ضبط صدا و تصویر و نگارش و غیره، در اختیار باشد، ثبت نکردن کلمات گهربار ائمه (علیه‌السلام) ظلم بزرگی است. اما در شرایطی که شیعه تحت فشار است، امکانات ثبت و نوشتار بسیار محدود است و کسانی که بر خواندن و نوشتن قادرند، اندک‌اند، نمی‌توان انتظار داشت که راویان حدیث عین الفاظ امام (علیه‌السلام) را ثبت و ضبط کنند.

بنابراین سخن علمای فریقین در مورد رواج نقل به معنا، حقیقتی انکارناپذیر است. مؤید این سخن روایت افرادی مانند محمد بن مسلم و داود بن فرقد است که هر دو از اصحاب نزدیک امام (علیه‌السلام) و صاحب کتاب‌اند، خصوصاً محمد بن مسلم که مشهور به دقت در روایت است. زمانی که محمد بن مسلم تصریح به نقل به معنا می‌کند و از امام (علیه‌السلام) استفسار می‌نماید، می‌توان حساب بقیه را به دست آورد. یا زمانی که کسی مانند داود بن فرقد که صاحب کتاب و تألیف است، اذعان می‌کند که نمی‌توانم گفتار شما را تکرار کنم، بدان معناست که نمی‌تواند آن را عیناً در حین گفتار امام (علیه‌السلام) نیز ثبت کند. والا اگر برایش مقدور بود که هنگام شنیدن آن را بنویسد، این کار را می‌کرد.

۱۴-۴. طولانی بودن برخی روایات

برخی از روایات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه (علیه‌السلام) طولانی بوده و اساساً احادیث طولانی عملاً قابل نقل به لفظ نیستند؛ زیرا کسی که حدیث چند صفحه ای را می‌شنود، حتی نمی‌تواند بعد از یک ساعت هم نمی‌تواند نصف شنیده‌های خود را، گرچه به نحو نقل به معنا، تکرار کند.

۵. نتیجه‌گیری

به رغم مطلوب بودن نقل نص روایات این کار با دشواری‌هایی روبرو بوده است؛ زیرا در آغاز صدور روایات از زبان معصومان (علیهم السلام) نگارش احادیث در مجالس تحدیث سنت غالب نبوده و عموم راویان، متن روایات را پس از شنیدن به حافظه سپرده و پس از مراجعه به خانه‌های خود، یا پس از گذشت زمان به ثبت، یا نقل آنها اقدام می‌کردند. از سوی دیگر روایات نقل شده در مجالس تحدیث نیز گاه طولانی و شامل چندین فقره بوده است. طبیعت خطا و اشتباه حافظه اقتضا داشت که احیاناً واژه‌های مترادف، جای واژه‌های اصلی بنشینند، یا در چینش روایت جابجایی صورت گیرد، یا حتی جملات روایی دچار کوتاهی و بلندی شوند. ظاهراً این پدیده در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) وجود داشته و باعث نگرانی اصحاب شده است. زیرا بسیاری از صحابه احادیث را نمی‌نوشتند و خلفا نیز نه تنها از نگارش آن خودداری می‌کردند، بلکه بر از بین بردن نوشته‌های حدیثی همت می‌گماشتند. در نتیجه، صحابه در نقل حدیث به محفوظات خود تکیه می‌کردند. بدین ترتیب نقل به معنا در احادیث صحابه رواج یافت. لذا بسیاری از احادیث بدون اینکه عمدی در تغییر الفاظ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده باشد، به دلیل عواملی نقل به معنا شده‌اند، از جمله: تعدد مجالس پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، منع تدوین حدیث، ضعف راوی در حفظ الفاظ حدیث و نیز بیان حکم واحد برای افراد مختلف.

۶. مراجع

۱. ابن عبد البر، (۱۳۸۸)، "جامع بیان العلم و فضله"، قاهره، مکتبه الاسلامیه.
۲. ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴)، "معجم مقاییس اللغة"، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، چاپ اول.
۳. أبوریّه، محمود. (۱۴۲۷)، "أضواء علی السنه المحمديه"، بی‌جا، دار الکتب الاسلامی، مطبعه الاولی.
۴. اکبر نژاد، محمدتقی. (۱۳۸۷)، "نقل به معنا در دعا"، مجله فقه، دفتر تبلیغات اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۵۶.
۵. پاکتچی، احمد. (۱۳۹۲)، "فقه الحدیث (با تکیه بر مسائل لفظی)"، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، چاپ اول.
۶. ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۴۰۳)، "سنن ترمذی"، بیروت، دار الفکر.
۷. حاجی، محمد علی. (بی‌تا)، "آسیب شناسی تربیت دینی"، دانش نامه امام علی علیه السلام، زیر نظر علی اکبر رشاد.
۸. خطیب بغدادی، احمد بن علی. (۱۴۰۹)، "الکفایه فی علم الروایه"، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ دوم.
۹. خوشناموند، مسعود. (۱۳۸۸)، "نقل به معنا"، پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۵.
۱۰. دلبری، سید علی. (۱۳۹۱)، "آسیب شناسی فهم حدیث"، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۱۱. سیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۹)، "الدر المنثور فی تفسیر المأثور"، قم، کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی.
۱۲. صالح، صبحی. (۱۳۶۳)، "علوم الحدیث و مصطلحه"، قم، انتشارات رضی، چاپ پنجم.
۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷)، "المیزان فی تفسیر القرآن"، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۴. طوسی، محمدبن حسن. (۱۴۱۷)، "العدة فی الاصول"، قم، بی‌نا.

۱۵. عاملی، جمال الدین حسن بن زین الدین. (۱۴۰۶)، "معالم الدین و ملاذا لامجتهدین"، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۶. عاملی، حسین بن عبدالصمد. (۱۳۹۰)، "وصول الاخبار الی اصول الاخبار"، قم، دارالحديث، چهارم.
۱۷. عمید، حسن، فرهنگ عمید، بی چا، بی جا، بی نا، ج ۱.
۱۸. غروی نایینی، نهله. (۱۳۷۹)، "فقه الحديث و روش های نقد متن"، تهران، دفتر نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس.
۱۹. فتحی، سمانه. (۱۳۹۴)، "بررسی و نقد دیدگاه محمد عجاج خطیب درباره نقل به معنا"، حدیث و اندیشه، نیم سالنامه علمی-ترویجی، شماره نوزدهم.
۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹)، "کتاب العین"، قم، انتشارات هجرت، چاپ دوم، ج ۳.
۲۱. مامقانی، عبدالله. (۱۴۱۱)، "مقباس الهدایة فی علم الدراية"، قم، مؤسسه آل البيت (ع) الاحیاء التراث.
۲۲. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳)، "بحار الانوار"، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
۲۳. مسعودی، عبدالهادی. (۱۳۹۲)، "آسیب شناسی حدیث"، قم، انتشارات زائر و دانشکده علوم حدیث.
۲۴. معارف، مجید. (۱۳۸۷)، "شناخت حدیث"، تهران، موسسه فرهنگی نبأ، تهران، بی چا.
۲۵. معین، محمد. (۱۳۷۱)، "فرهنگ فارسی معین"، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم.